

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه سمنارت www.smtnews.ir/about.html	
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «سمنارت»	
مدیرمسئول: عاطفه خسروی	
سازمان آگهی‌ها: ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶-۸۸۱۰۵۲۸۸	ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com
تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی--۱۰۸)	توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸
تهران، خیابان قائم مقام فر اهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۲۳۸۱۱	
روابط عمومی: pr@smtnews.ir	
چاپخانه: صمیم	
www.smtnews.ir tozi.smtnews@gmail.com https://ble.ir/smtnews	info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://eitaa.com/smtnews
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی عضو انجمن مدیران رسانه عضو تعاونی مطبوعات	



هادی خانیکی معتقد است جامعه ایران یکی از مهم‌ترین نیازهای تاریخی خود را در «گفت‌وگو» جست‌وجو می‌کند؛ گفت‌وگویی که نه یک مفهوم انتزاعی و صرفاً فلسفی، بلکه ضرورتی برای زندگی اجتماعی، سیاست، فرهنگ، توسعه و ارتباطات است. از نگاه او، روابط عمومی نیز برای عبور از الگوی سنتی و تبلیغاتی خود باید از «بلندگو بودن» فاصله بگیرد و به «نهاد گفت‌وگویی» تبدیل شود.

آیا روابط عمومی همچنان باید نقش انتقال‌دهنده پیام سازمان را ایفا کند یا باید به نهادی برای ایجاد گفت‌وگو میان سازمان و جامعه تبدیل شود؟ از دیدگاه این استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، پاسخ این پرسش را باید در مفهوم «گفت‌وگو» جست‌وجو کرد؛ مفهومی که بخش مهمی از زندگی فکری و حرفه‌ای او را شکل داده است.

در این گفت‌وگو، دکتر خانیکی از تجربه زیسته خود و مسیر رسیدن به مفهوم گفت‌وگو سخن می‌گوید؛ از نسبت ارتباطات و گفت‌وگو، از نقش ارتباطات در توسعه، از تأثیر فناوری‌های شبکه‌ای بر امکان گفت‌وگو و سرانجام از آینده روابط عمومی در ایران.

شما در حوزه ارتباطات و روزنامه‌نگاری فعالیت و پژوهش کرده‌اید و اگرچه تخصص اصلی شما روابط عمومی نیست، اما همواره با این حوزه ارتباط داشته‌اید. از نظر شما رابطه میان ارتباطات، روزنامه‌نگاری و روابط عمومی چیست؟

اگرچه حوزه تخصصی من مستقیماً روابط عمومی نیست و بیشتر در حوزه ارتباطات، به‌عنوان زمینه مادر، و روزنامه‌نگاری تجربه داشته‌ام، اما روابط عمومی را به دلیل اهمیتی که دارد و اینکه یکی از پایه‌های اصلی ارتباطات است، همواره دنبال کرده‌ام.

در ایران نیز از همان آغاز شکل‌گیری مطالعات دانشگاهی، روابط عمومی در کنار ارتباطات و روزنامه‌نگاری مطرح بوده است. چهره‌های شاخص این حوزه‌ها نیز همواره با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند؛ از جمله مرحوم دکتر معتمدنژاد، مرحوم دکتر نطقی، مرحوم دکتر تهرانیان و مرحوم دکتر اسدی.

به همین دلیل، میان روابط عمومی، روزنامه‌نگاری، ارتباطات و در سال‌های اخیر، جامعه یا جهان شبکه‌ای، پیوند گسترده‌ای وجود دارد اما اگر بخواهیم از نسبت این حوزه‌ها با تجربه خودمان سخن بگوییم، به مسئله‌ای می‌رسیم که برای من بسیار مهم است و آن «گفت‌وگو» است.

هر کنشگر ارتباطی، مدنی، اجتماعی یا سیاسی، خیلی زود با یک گمشده مواجه می‌شود و آن گمشده، گفت‌وگوست می‌توان گفت؛ گفت‌وگو یکی از گمشده‌های جامعه ماست؛ گمشده‌ای که دلایل تاریخی، سیاسی و فرهنگی دارد. ما در دوران مدرن یا گفت‌وگو را نیاپموخته‌ایم یا امکان و سازوکارهای مناسبی برای گفت‌وگو نداشته‌ایم.

از این منظر، ارتباطات و گفت‌وگو نسبت بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند. ارتباطات زمانی موفق است که به گفت‌وگو منتهی شود.

حتی می‌توان گفت گفت‌وگو هدفی فراتر از ارتباطات است؛ زیرا ارتباطات در معنای اولیه، اشتراک‌گذاری یک معنا یا پیام است، اما اگر این ارتباط در یک مضمون گفت‌وگویی تحقق پیدا نکند، به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

در یک جامعه قطبی‌شده که «دیگری» همواره دیگری باقی می‌ماند و به رسمیت شناخته نمی‌شود، طبیعی است که گفت‌وگو نیز شکل نگیرد.

دغدغه گفت‌وگو از چه زمانی در زندگی فکری و حرفه‌ای شما شکل گرفت؟

من به مسئله گفت‌وگو از دو مسیر رسیدم و به‌تدریج اهمیت آن را درک کردم. مسیر نخست، تجربه زیسته اجتماعی، سیاسی و فرهنگی من بود. مانند بسیاری از جوانان آرمان‌خواهی که در ایران وارد دانشگاه می‌شوند، من نیز تلاش کردم برای تحقق آرمان‌هایم کاری انجام دهم. خیلی زود این مسئله که چه کاری باید انجام داد، به سیاست کشیده شد.

در آن دوره، ابتدا در فعالیت‌های دانشجویی وارد شدم و بعد به زندان افتادم. در زندان، مبارزات رادیکال‌تر شد و به زندگی چریکی روی آوردم.

در زندگی چریکی، شما عملاً خود را از جامعه نامطلوب جدا

می‌کنید و برای خود جهان دیگری می‌سازید. در چنین شرایطی، به‌خوبی احساس می‌کردم که نمی‌توان با جهان‌های دیگری که بیرون از دایره «خودی» قرار دارند، گفت‌وگو کرد.

پس از انقلاب نیز در دوره‌های مختلف معلمی کردم؛ هم در دبستان و هم در دبیرستان. آنجا نیز با محیط‌های غیرگفت‌وگویی مواجه شدم؛ محیطی که در آن معلم در جایگاه بالاتر قرار دارد و دانش‌آموز در جایگاه پایین‌تر

به تعبیر پائولو فریره، آموزش می‌تواند به آموزش سکوت و انقیاد تبدیل شود؛ یعنی طرف مقابل، یعنی دانش‌آموز، امکان سخن گفتن پیدا نمی‌کند

بعد وارد روزنامه‌نگاری شدم. از سال ۱۳۶۰ در روزنامه کیهان فعالیت کردم. در روزنامه‌نگاری نیز دوباره با مسئله گفت‌وگو مواجه شدم. اساساً یکی از کارکردهای مهم روزنامه‌نگاری این است که بتوانی با دیگران حرف بزنی و دیگران را نیز به حرف بیاوری.

در شرایطی مانند جنگ نیز موانع گفت‌وگو را از نزدیک دیدم. بنابراین، زندگی سیاسی و زندگی حرفه‌ای من به‌نوعی نشان می‌داد که ناخودآگاه به سمت همان گمشده، یعنی گفت‌وگو، کشیده می‌شوم.

مسیر دانشگاهی و نظری شما برای رسیدن به مفهوم گفت‌وگو چگونه شکل گرفت؟

در مسیر حرفه‌ای و تخصصی، یکی از نقاط مهم برای من نظریه «برخورد تمدن‌ها»ی ساموئل هانتینگتون بود. هانتینگتون معتقد بود تمدن‌های زنده جهان روی گسل‌های برخورد قرار گرفته‌اند؛ تمدن اسلامی، مسیحی، بودایی و تمدن‌های دیگر.

تقریباً هم‌زمان با این بحث، جنبش اصلاحات در ایران شکل گرفت و آقای خاتمی نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری شد. از جمله دغدغه‌های اصلی ایشان در کنار جامعه مدنی و توسعه سیاسی، مشارکت، آزادی، حقوق اساسی و قانون بود.

یکی از پاسخ‌هایی که در آن دوران به هانتینگتون داده شد، همین ایده بود که اگر می‌خواهیم در این جهان به‌صورت صلح‌آمیز زندگی کنیم، به جای برخورد تمدن‌ها باید به سمت گفت‌وگو تمدن‌ها برویم.

بعد از استقرار دولت اصلاحات، این موضوع در سازمان ملل نیز مطرح و گفت‌وگو تمدن‌ها به بخشی از گفتمان دولت اصلاحات تبدیل شد

من در آن زمان مشاور آقای خاتمی و معاون فرهنگی وزارت علوم بودم و هم‌زمان دوره دکتری را نیز می‌گذراندم.

در دوره کارشناسی ارشد، مسئله جامعه مدنی برای من اهمیت زیادی پیدا کرده بود. کتاب «قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات» نیز حاصل همین تلاش‌های اولیه بود.

در آنجا به این نتیجه رسیدم که یکی از عوامل مهم توسعه‌نیافتگی مطبوعات، ضعف جامعه مدنی در کنار تمرکز قدرت سیاسی است؛ عواملی مانند مشارکت‌گریزی، رقابت‌ستیزی، نخبگان و نبود سازوکارهای حل اختلاف نیز این وضعیت را تشدید می‌کنند. در ادامه همین مسیر، دیدم که گفت‌وگو نیز امتداد همان دغدغه‌های جامعه مدنی و مواجهه با مسئله برخورد تمدن‌هاست.

این تحولات در زمانی اتفاق افتاد که ارتباطات نیز با یک چرخش

در گفت‌وگو با استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی مطرح شد

از روابط عمومی بلندگو، تا روابط عمومی گفت‌وگویی



پارادایمی مواجه شده بود.

ارتباطات از شکل عمودی و بالا به پایین که در ارتباطات جمعی وجود داشت، به سمت ارتباطات شبکه‌ای حرکت کرد. مفهوم جامعه شبکه‌ای و فناوری‌های جدید ارتباطی، امکان گفت‌وگو را افزایش دادند.

اینترنت، تلفن همراه و فناوری‌های ارتباطی جدید، امکان روبه‌رو شدن و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر را بیشتر کردند.

مجموع این تحولات باعث شد رساله دکتری خود را با محوریت «گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و گفت‌وگوی تمدن‌ها» انتخاب کنم.

حرف اصلی من این بود که تحولات فناوری‌های ارتباطی در سه دهه پایانی قرن بیستم موجب شده است جهان به سوی گفت‌وگو حرکت کند و گفت‌وگو ممکن‌تر شود

از اینجا بود که مرحله بعدی برای من، خود «گفت‌وگو» شد؛ گفت‌وگویی که صرفاً یک بحث انتزاعی و فلسفی نیست، بلکه در کوچه و بازار، خانواده، اقتصاد، سیاست و فرهنگ معنا پیدا می‌کند.

از اواخر دهه ۱۳۷۰ تاکنون، مسئله گفت‌وگو یکی از موضوعاتی بوده که ذهن من را در حوزه ارتباطات به خود مشغول کرده است.

حالا باید دید این گفت‌وگو در روابط عمومی چه معنایی پیدا می‌کند، در روزنامه‌نگاری چه معنایی دارد، در شبکه‌ها چگونه عمل می‌کند و در مطالعات فرهنگی چه جایگاهی دارد.

آیا گفت‌وگو به‌صورت یک نظریه در دانشگاه‌ها مطرح و تدریس می‌شود؟ آیا واحد دانشگاهی مستقلی با این عنوان وجود دارد؟

تا جایی که من اطلاع دارم، به‌صورت رسمی چنین واحد مستقلی وجود ندارد. اما گفت‌وگو فقط موضوع دانش ارتباطات نیست. گفت‌وگو موضوع فلسفه است، موضوع جامعه‌شناسی است، در علوم سیاسی مطرح است و در زبان‌شناسی نیز اهمیت دارد. بنابراین، گفت‌وگو یک موضوع میان‌رشته‌ای است.

البته به دلیل پیوند بسیار نزدیک میان ارتباطات و گفت‌وگو، طبیعی است که این مفهوم به حوزه ارتباطات نزدیک باشد.

آیا در این زمینه آثاری تولید کرده‌اید که در فضای علمی بین‌المللی نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد؟

کاری که به‌طور اصلی انجام داده‌ام و منتشر شده، کتاب «در جهان گفت‌وگو» است (این کتاب در این شماره معرفی شده است) که بنیاد اصلی آن همان رساله دکتری من است

در این کتاب، مباحث نظری و دیدگاه فیلسوفان، جامعه‌شناسان، صاحب‌نظران علوم سیاسی و فرهنگ‌شناسانی را که درباره گفت‌وگو سخن گفته‌اند، بررسی کرده‌ام و در کنار آن به زمینه‌های کاربردی نیز پرداخته‌ام.

در جلد دوم تلاش کرده‌ام به این پرسش نزدیک شوم که گفت‌وگو به چه کاری می‌آید و در کجا توانسته است مسئله‌ای را حل کند.

حتی تجربه شخصی خودم از بیماری سرطان نیز برای من به عرصه‌ای برای آزمون مفهوم گفت‌وگو تبدیل شد. من درباره گفت‌وگوی بیمار با پزشک و حتی گفت‌وگوی فرد بیمار با بیماری خودش صحبت کرده‌ام. برخلاف چیزی که گاهی رایج است و بیماران بیماری خود را پنهان می‌کنند و در خود فرو می‌روند، من تلاش کردم درباره بیماری

جاروبافی از قدیمی‌ترین صنایع دستی خراسان شمالی است که با استفاده از گیاه ارزن ساخته می‌شود. روستای ملاحسن در شهرستان مانه و سملقان به عنوان خاستگاه این هنر شناخته می‌شود و بسیاری از مردم آن با دستان توانمند خود، جاروهای سنتی و پرکاربرد می‌بافند.



منبع: مهر



جاروبافی در روستای ملاحسن